



ارزیابی عملکرد هویت مکان روستایی و نقش فرهنگ در شکل گیری هویت مکانی

نویسنده: رحیم امین زاده*

????????????????????????



کلمات کلیدی:

هویت فردی
هویت مکان
هویت روستا
فضای روستایی
فرهنگ و مکان

دریافت: ۱۱ تیر ۱۴۰۵

پذیرش: ۰۳ مرداد ۱۴۰۵

انتشار الکترونیکی: ۰۱ تیر ۱۴۰۵

✉ ایمیل:

*Aminzade416@gmail.com

چکیده:

مقاله به بررسی نقش بارز هویت مکان در هویت روستا و تأثیر آن در ارتقای هویت روستاییان می پردازد. فقدان هویت روستا و مکان و ابعاد آن در فضاهای روستایی مشکلاتی را در هویت فردی روستاییان و پیوند روانی آنها با مکان، میزان حضور افراد در فضا و خصوصیات کالبدی مکان ها به وجود می آورد و بدین سان به کاهش انواع فعالیت های فیزیکی و اجتماعی در محیط منجر می شود. بر این اساس طراحی فضاهای روستایی باید به گونه ای باشد که ضمن ایجاد محیط های با هویت سبب ارتقای هویت فردی روستاییان شود. و همچنین میزان حضور روستاییان و تعاملات اجتماعی آنها را افزایش دهد. بنابراین هدف مقاله بررسی ابعاد هویت روستا و مکان و رابطه ی آن با هویت فردی است. نتیجه مطالعات نشان می دهد تأثیر ابعاد اجتماعی، کالبدی و روانی هویت بر پیوند روانی با فضا نقش بازی دارد. و نتیجه چنین ارتباطی در ارتقای پیوند روانی روستاییان با محیط تأثیر گذار است. و از طرف دیگر محیط های بی هویت ضمن ایجاد برش و عدم وابستگی در روستا سبب کاهش حضور روستاییان در فضای روستایی می شود. و بررسی مفهوم مکان، به ردیابی فرهنگ در مکان و تعامل فرهنگ و مکان ارزش فرهنگی مکان، است

۱- مقدمه:

مکانی جایی است که ما ادراکی کامل از هستی و بود خود داشته باشیم. مکان زمانی مکان می شود که انسان در ارتباط با لایه های دیگر وجود خود قرار گیرد. این لایه ها می تواند توسط فعالیت های مشترک با دیگر هموعان، در ارتباط با طبیعت قرار گرفتن و یا در گنج محیط مصنوع قرار گرفتن، نمایان و روشن شود و بدین صورت انسان با لایه های دیگر وجود خود که به نوعی دیگر در عالم خارج نیز وجود دارند. آشنا می شود و بدین ترتیب شناخت او از محیط پیرامون و خویشتن افزون می گردد. احساسات او می تواند بر روی ادراکات او از محیط و شکل گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیر گذار باشد. همین تصاویر ذهنی انسان هاست که به مکان هویت می دهد. علاوه بر ساختار کالبدی مکان، خاطرات افراد در هویت بخشیدن به مکان مؤثر است. بحران مکان به مفهوم بحران معنی اجتماعی از فضا و زمان، از بارزترین مشکلات روستاسازی معاصر است و مکان یعنی جایی که ما به آن تعلق داریم و تنها با حضور انسان با معنا می شود. و انسان تنها با داشتن مکان با معنا خواهد شد و در این میان، حلقه اتصالی وجود دارد که به آن معنا نیست که هویت مکان لزوماً تغییر کند یا از دست برود. در این نوشتار به دنبال پاسخ هایی برای این پرسش ها که مکان روستایی چیست؟ و ویژگی های مکانی به معنا کدامند؟ هویت مکان روستایی چگونه و تحت چه عواملی بوجود می آیند؟ جوی خود را در ابتدا با واژه شناسی مفهوم مکان و تعریف مفهوم کلاسیک

آن آغاز و سپس به عناصر و ابعاد و هویت روستایی و مفاهیم مکانی و سپس به بررسی مفهوم مکان از دیدگاه نظریه پردازان و نقش مکان و تصاویر ذهنی اشخاص در شکل دادن به هویت مکان و حفظ فرهنگ و هویت روستا و نقش زنان در حفظ فرهنگ و هویت و تصاویر از مکان ها و اجتماع در روستا و جمع بندی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- واژه شناسی مکان

مکان، صیغه اسم ظرف است مشتق از کون به معنای «بودن» و به معنای مطلق «جا» [۱]. و هم بودن خود به معنای «وجود هستی» و «هستی داشتن» است. همچنین، گذراندن عمر و «زندگی کردن» نیز معنی می شود (دهخدا، ۱۳۷۳، جلد سوم). یکی دیگر از معنای بودن، «واقع شدن» و «روی دادن» است [۱]. بدین ترتیب می توان اینگونه تفسیر نمود که مکان خود به معنای جایی برای جاری شدن رویدادها و وقایع به منظور زندگی کردن است؛ و همچنان که ارتباط نزدیکی با هستی و حیات دارد، هستی بخش نیز باشد.

۱- مفهوم کلاسیک مکان

۱-۱- مکان از دیدگاه حکما

برای حکمای پیشین ایرانی، مکان همان حکم فضا را داشته و توسط آن تعریف می شده است. "در نزد حکمان مکان عبارتست از سطح باطن جسم حاوی که تماس

او با نقدر نظریه های مدرنیستی بیان می کند که این نظریه ها صرفاً بر اساس داده های کمی شکل گرفته است و ارتباطات کیفی و معنا و واقعیات زندگی در آنها فراموش شده هستند و در نتیجه دچار بی مکانی شده اند و تحت این شریط انسان بودن و هستی خود را در عالم از یاد برده است. در صورتیکه "در گذشته زندگی بشر صمیمانه با چیزها و مکان ها پیوند داشت. با وجود سختی زندگی و بی عدالتی اجتماعی، انسان در مجموع احساس تعلق و هویت می کرد. جهان همچون عالمی از کیفیت ها و معانی تجربه می شد: بنابراین جهانی عمومی بود که مبنایی برای مشارکت و همراهی پدید می آورد" [۳]. از نظر او علم به عنوان تمامیت چیزها، مجموعه ی صرف عینیات نیست. بلکه ترکیبی زیبا و آرامش بخش از عین و ذهن است.

از نظر او هدف مکان آشکار کردن چیزها در عالم است بدین معنا که مکان با برآورده کردن آن چیزی که محیط کم و به آن نیاز دارد علاوه بر اینکه محیط را کامل می کند، آن را دارای گسترده و محدوده نیز می سازد و یا به مفهومی دیگر قلمرو به وجود می آورد و بدین ترتیب آن را قابل فهم و درک می سازد. که "اساس روان بشر فهم است که به عنوان چیزی در زیر و میان چیزهای بامعنا قرار گرفته است. زمانی که چیزها فهمیده شدند، آنها نزدیک می شوند و عالم عالم می شود و بشر هویت و اصالتش را می یابد" [۳].

شولتز حس مکان را اینگونه بیان می دارد: "زمانی که در کشوری بیگانه سفر می کنیم، فضا "خنثی" است؛ یعنی هنوز با خوشحالی یا غم مرتبط نیست. اما فضا تنها زمانی که به نظامی از مکان های بامعنا بدل گردد، برای ما زنده می شود" (شولتز، ۱۳۸۲، ۸۹). او مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطر عجین شده تلقی می کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه ها و حالات روحی انسان جست وجو می نماید. برای او مکان همان فضای زنده است. زنده بودن هم به معنای خاص و هم به معنای عام آن. او با ذکر اینکه هایدگر یادآوری می کند که واژه آلمانی (Raum) فضا) از Raumen می آید که به معنای "اختصاص دادن مکان ها برای پاشیدن انسان ها" است [۳]. مکان را فضایی تلقی می کند که انسان به حضور و وجود خود در آن ادراک و شناخت پیدا کرده باشد. در کل او برای انسان ۴ ویژگی بیان می کند که به سبب آنها با محیط ارتباط برقرار می کند و برای هر یک از این ویژگی ها یک تعبیر فضایی نیز می نماید [۳].

۱- حالت روحی: بدین معنا که ذهن انسان در مرحله ای، بدون نیاز به واسطه، با محیطش ارتباط برقرار می کند و این حاکی از وجود ویژگی های معینی در محیط است که انسان به وسیله ی آن محیطش را شناسایی می کند و تصویرهای ذهنی خود را در حافظه اش ثبت می کند. در واقع هر آن چیزی است که انسان احساس می کند از محیط خود.

۲- فهمیدن: حاکی از ادراک و شناخت محیط از طریق تشخیص جهت و راه است و اینکه دریابد ویژگی های محیطش چیست. او حالت روحی و فهمیدن را نشان دهنده ی وحدت اصلی اندیشه و احساس تلقی می کند.

۳- گفتگو: نشان دهنده ی معانی و پیوند میان انسان و مکان و درگیر شدن عالم مکان با عالم انسان است. یعنی فضاوندی (هویت) مکان را بیان می کند. از نظر او آثار معماری به عنوان بخشی از گفتگوی انسانی فضاوندی عالم را آشکار می سازند. که غالباً با مرز (قلمرو) و راه مشخص می شود.

۴- هستی با دیگران: به این امر اشاره دارد که انسان عالم خود را با دیگران تقسیم می کند که شولتز از تقسیم فضاوندی با دیگران از آن یاد می کند.

و همچنین برای مکان با معنا و هویت مکان سه اصل را بیان می دارد:

۱- گونه شناسی: که بیان کننده ی مفهومی معماری است. و توسط نمادپردازی در مکان که محرک کننده ی ۴ ویژگی انسان یعنی همان حالت روحی، فهمیدن، گفتگو و هستی با دیگران است.

باشد به سطح ظاهر جسم محوی و در پیش متکلمین عبارتست از فضایی متوهم که جسم آن را اشغال کند و ابعادش در آن نفوذ نماید" (لغت نامه ی دهخدا، ۱۳۷۲، جلد سیزدهم). همچنین "صدرا گوید: جوهر حکما گویند مان عبارت از سطح باطن از جسم حاوی است به نحوی که هیچ جزئی از آن خارج از سطح نباشد و این وضع واقع نیست مگر در اجزای این عالم مانند آحاد عناصر و افلک و هرگاه مجموع آنچه در این عالم از امکان و ازمنه به طور جمعی و کلی بدان نحو که یک شیء اند لحاظ شود به یک نام خوانده می شود و چیزی خارج از آنها نیست که به نام مکان خوانده شود" [۱]. در این دو تعریف با سه وجه مکان رو به رو می شویم:

■ ساختار مکان که دارای حد و اندازه است.

■ شاخصه ای واحد و یا هویتی است که تک تک عناصر فضا می باید داشته باشند تا بدان فضا اطلاق مکان شود.

■ مکان محدود کننده و تعریف کننده فضا بوده است.

۱-۲- مکان از دیدگاه فلسفه یونان باستان

"کائوس" در زبان یونانی به معنای فضا، مغاک، فضای تهی و گشاده و خمیازه می باشد و از ریشه xasko به معنای خمیازه کشیدن مشتق شده است. در اساطیر یونان chaos حفره ای میان زمین و آسمان است، زمین و آسمان که همچون کف و سقف جهان می باشند و به واسطه ی کائوس از هم جدا شده اند. ارسوط و قدما، کائوس را هستی بی نظم، در هم آشفته، مکانی خالی از جسم (فضای تهی) می دانند. فیثاغورثیان فضا را معادل خلاء نامتناهی و وظیفه ی خلاء را جدا نگه داشتن چیزها از هم می دانستند. افلاطون با استناد به نظر فیثاغورثیان جهان را هندسی تبیین کرد و آن را با اشکال هندسی بیان نمود و آن را شکلی توصیف می کند که اولاً همیشه وجود دارد و فساد نمی پذیرد و ثانیاً جایی برای تمام اشیایی که به وجود می آیند، فراهم می کند. در کتاب تیمائوس افلاطون فضا را برابر با مکان می گیرد. ارسطو نیز به ندرت به کلمه chaos (فضا) اشاره می کند، بحث و درباره فضا را باید در مقادیر فضایی جستجو کرد، یعنی place=leu از نظر ارسطو، فضا مجموعه ای از مکان ها و زمینه ای دینامیک با اعراض کیفی است. برای ارسطو فضا محتوای یک ظرف است" [۲]. بنابراین می توان اینگونه برداشت نمود که:

■ مکان در نزد حکما و فلاسفه ی قدیم به معنای فضا و یا عبارتی دیگر تعریف کننده حدود فضا بوده است. ایشان بدین طریق می توانستند به شناخت جهان هستی و موجودات آن بپردازند. بدین ترتیب مکان و مشخص کردن حریم ها، عاملی برای شناخت علم به کار می رفته است.

■ شناخت مکان را می توان به نوعی به شناخت هویت خود تعبیر نمود با تعریف کردن مکن ها و شکل بخشیدن بدان (هندسه) شناخت آنها قابل فهم می شود و انسان مکان و مرتبه خود را در این عالم کشف می کند و هویت او نمایان می شود. ■ در جمع حکمای ایرانی و فلاسفه ی باستان مفهوم مکان و فضا را یکی قلمداد کرده و برای تعریف هر یک از ویژگی و خصیصه ی دیگری استمداد می طلبیدند.

۲-۲- مفهوم مکان و تصویر ذهنی از دیدگاه کریستیان نوربرگ. شولتز

شولتز نظریه های خود را در مورد معماری و به طور عام تر مکان را بر مبنای نظریه های پدیدارشناسی افرادی همچون هوسرل و بیشتر هایدگر قرار داده است. شولتز پدیدارشناسی در معماری را به عنوان پدیدارشناسی محیطی معرفی می کند و موضوع آن را "طبیعت و ساختار مکان در پیوند با زندگی" می داند. او ذکر می کند که "زمانی که چیزی رخ می دهد ما می گوئیم برجا شد. این گفته بر این امر دلالت دارد که جا یا مکان به بخش درونی و ذاتی زیست-جهان شکل می دهد. بنابراین ما نمی توانیم زندگی را در یک دست و مکان را در دست دیگر داشته باشیم. بلکه باید تمامیتی منسجم از این دو را داشته باشیم" [۳]. او همچنین در مقاله ی "پدیدار مکان" توانمندی پدیدارشناسی در معماری را در این می داند که قادر است با خلق مکان های ویژه، محیط را معنادار ساز" [۴].



۳- هویت روستایی

هویت روستا، برآیند همه نیروهایی است که برآیند تا روستا را به عرصه ی کالبدی- اجتماعی منسجم و خانه ای برای زندگی مشترک خانواده روستا مبدل سازند. اگر روستا مفهوم و اعتبار خود را به عنوان فضای اطلاع رسانی از دست بدهد و برنامه های آن از باز خورد اطلاعات مربوط به حقایق روستا نشات نگیرد، نه تنها انگیزه ای برای زندگی اجتماعی و مشارکت مردم در بازار تولید ارزش ها و هویتشان وجود نخواهد داشت، که مدنیتی نیز در انتظار روستاهایمان نخواهند بود.

۳-۱- مفاهیم و تعاریف هویت روستایی

هویت روستا حالتی از اندیشه، انسجامی از عادات و سنن، عواطف و افکار و رفتارهای سازمان یافته ساکنان روستا است که به عنوان جزء لاینفک عادات زندگی روستایی به فرهنگ روستایی منتقل شده اند. هویت روستا، به عنوان شاخص ترین نمود فضایی هویت جامعه، عهده دار تبیین ارزش ها، هنجارها و روابط انسانی در ساخت فضایی روستایی است. هویت روستا چارچوبی است برای تبیین تمایز و تفاوت کیفیات برجسته و شاخص روستاها. هویت روستا ماکت همزمان شده فرهنگ اجتماعی و فضایی نسل های چذشته و کنونی ساکنان در آن است. هویت روستا با انطباق محیط کالبدی و اجتماعی (به عنوان متغیرهای مستقل) از طریق تشخیص همگرایی آنها در محیط فرهنگی یا نمادین (به عنوان متغیر وابسته) قابل تشخیص و بیان است. هویت روستایی مقوله ای کالبدی است و ناشی از شکل کلی و فرم روستا است. هویت روستایی چیزی جز خاطره ی جمعی افراد ساکن یک روستا نیست و روستا بدون خاطره فاقد هویت است. آنچه هویت روستایی را پدید می آورد هماهنگی اجزا و عناصر روستایی است که کلیتی هماهنگ پدید می آورند. هویت روستایی، تاریخ یک ملت منعکس در جسم و روح روستا است. هویت روستایی به تنهایی شامل هیچ کدام از موارد یاد شده نمی باشد، بلکه همه آنها با هم در ستنزی تام و تمام است؛ کلیتی است با ابعاد گوناگون و مفهومی است با سلسله مراتب متعدد، در هم تنیده و پیچیده.

مامفورد، مسئله ی اصلی روستا سازی مدرن را هویت روستایی می داند و معتقد است نوسازی روستایی عصر حاضر از نظر معماری و اجتماعی فاقد شخصیت است. می گوید شهرها در گذشته واجد وحدت بصری بودند و با فرم هایی که به تدریج پیچیدگی بیشتری می یافتند، شیرازه اجتماعی جوامع را بوجود می آورند ولی در روستا سازی معاصر، نظم خشک مقیدی جای تنوع اجتماعی گذشته را گرفته است. روستاها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته اند، لیکن امروز این شخصیت و موجودیت از میان رفته است و تمام آنها به توده های مشابه یکنواختی بدل گشته اند. والتر بور: شباهت بیش از حد روستاها به یکدیگر خطر بسیار جدی است که هویت فضاهای روستایی را تهدید می کند. و چرا که نیروهایی که برآیند فعالیت آنها منجر به چنین یکنواختی ملامت باری است. قدرتمند و پرنفوذند. وی همچنین معتقد است که اگر چه همه روستاها مجموعه ای از ساختمان ها، خیابان ها و فضایی بین آنها هستند و احتمال شباهت آنها به یکدیگر دور از انتظار نیست. با این حال روستاها و روستاهای سنتی و کهن به حدی با یکدیگر فرق دارند که هر کدام دارای هویت خاص خود می باشند؛ در واقع، تمام روستاها یک وجه اشتراک هم دارند و آن منحصر به فرد بودن آنهاست. در عین حال مفاهیمی که به عنوان مترادف هویت و یا به عنوان صفت های عرصه شهری به کار می روند، مفاهیمی چون ریشه دار، بی ریشه، القاء کننده تاریخ، آرامش بخش، دارای اغتشاش، خوانا، ناخوانا، فروتن، مردم وار، ضدمردمی، تماماً دو وجهی های مربوط به هویت اند که گویای دو عنصر مهم

۲- مکان شناسی: بررسی خواص و امکانات فضای زنده یا واقعی به وسیله ی تأکید کار طراح بر نظم و ویژگی های محیط و استفاده از اصول گشتالتی و هندسه. از نظر او خواص مکان را چیزهای واقع در آن که صفات ویژه ای دارند مشخص می کند. و بیان می کند که چیزهای واقع در زمین همانند صخره ها و آب ها و سبزه و ... و چیزهای واقع در آسمان از جنس رنگ و نور و ... است و نتیجه می گیرد که هر آنچه در بین زمین و آسمان واقع شود می باید دارای چنین ویژگی ها و خصوصیتی باشد تا زنده و کامل باشد.

۳- ریخت شناسی: به چگونگی قرار گرفتن، ایستادن و چگونگی رابطه ی بیرون بنا با درون و یکی شدن با محیط می پردازد. توسط اضافه کردن آن چه کم است به محیط. از نظر او اینگونه محیط کامل می شود و معنا پیدا می کند و انسان هویت خود را درمی یابد [۴].

۳-۲- مفهوم مکان و تصویر ذهنی از دیدگاه ادوارد رلف

"مکان و نامکان" ادوارد رلف از ولین پژوهش هایی است که بر اساس نظریه های پدیدارشناسی شکل گرفت و بر روی مطالب روان شناسانه و تجربه گرای حس مکان تمرکز دارد [۵].

او در این مقاله ی خود به بررسی ویژگی های حس مکان که برگرفته از روح مکان است و موجب معنا و هویت مکان می گردد، می پردازد. حس مکان غالباً در مورد اصطلاح لاتینی روح مکان بحث می کند. این اصطلاح بیان می دارد که مردم چیزی فراتر از خصوصیات فیزیکی مکان ها را تجربه می کنند و می توانند پیوستگی خود با روح مکان را احساس کنند [۶]. روح مکان علی رغم تغییرات اساسی همچنان اصرار بر بودن دارد. کما اینکه بسیاری از شهرها و کشورها هویت خود را در برابر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و فناوری حفظ کرده اند.

برای رلف باقی ماندن روح مکان از خلل تغییرات، مفهومی دقیق و ظریف و در عین حال نامعلوم است که اصلاً به سادگی قابل تجزیه کردن به اصطلاحات فرمال و معناگرا نیست ولی در عین حال کاملاً واضح و قابل فهم است [۵]. پونتر و مونتگمری تحت تأثیر سه گانه رلف عوامل تأثیرگذار در طراحی شهری را یافتند که در به وجود آوردن حس مکان در فضاهای شهری مؤثر بودند (رجوع شود به جدول ۱).

جدول ۱: جدول ۱- جدول حس مکان و مکان پونتر و مونتگمری، [۵]

حس مکان	معیارهای سنجش
معنا	همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی.
فعالیت	استفاده از مکان، روانی پیاده رو، روانی نقلیه، رفتار، الگوها، خوانایی، بو و صدا.
ساختار فیزیکی	منظر شهری، چشم انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت، مبلمان.
مکان	معیارهای سنجش
تصویر ذهنی	خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ارتباطات روانی، ادراک، شخصی، جهانی.
فعالیت	گوناگونی، سرزندگی، زنده بودن خیابان، نظارت کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی های محلی- سنتی، ساعت های فعالیت، فعالیت های جاذب، معامله و اقتصاد.
فرم	مقیاس، مرکز گرایی، نفوذپذیری، نشانه ها، فضاهای ساخته شده، نسبت ها، فضاهای عمومی

۴- مفاهیم مکانی هویت مکان

هویت مکان به ویژگی‌های قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد که این ویژگی‌ها سبب شاخص شدن مکان و افزایش خوانایی آن می‌شود. هویت مکان یادآور اتفاقات و گذشته‌ی مکان برقرار می‌کند. معانی و تعلقات از نشانه‌های مکان هستند که به طور غیرقابل تفکیکی در فهم ما از مکان‌های مختلف به هم پیوند خورده‌اند و کمبود آنها سبب تضعیف هویت مکان و کمرنگ شدن تاریخ مکان می‌شود. از طرف دیگر، تشخیص نمادها و نشانه‌های موجود در مکان، فرهنگ کلی مکان، خاطرات جمعی، هویت مکان و گذشته آن را تقویت می‌کند و در نتیجه، آگاهی فرد نسبت به مکان را افزایش می‌دهد و فرد می‌تواند پیوند روانی عمیقی با مکان برقرار کند. سیمای کالبدی، فعالیت‌ها و معانی مواد خام هویت مکان‌اند و دبالیکتیک بین آنها، روابط ساختاری این هویت است [۷].

مکان‌ها نقش حیاتی در توسعه و حفظ هویت گروهی مردم بازی می‌کنند. بنابراین مکان‌ها قابل ملاحظه‌ای در حفظ و ارتقای هویت جمعی ایفا می‌کنند و ادراک مکان به عنوان فرایندی تجربی، حس‌تعلق به مکان را در مردم تشویق می‌کند و حس آرامش و آسایش را ایجاد می‌نماید و میزان وابستگی به مکان را افزایش می‌دهد. هویت یک مکان یا یک رویداد را می‌توان از طریق آزمایش‌های ساده شناخت و بازشناسی، توصیف و تحلیل نمود و به صورت تقریبی اندازه‌گیری کرد. در این بخش به بررسی عوامل مؤثر و ابعاد و معیارهای هویت مکان بپردازیم.

۴-۱- مفهوم مکانی هویت

اگر در شناخت هویت مکان، مفهوم جامع هویت مورد استناد قرار گیرد، وجود دامنه‌ی وسیعی از خصائص و ویژگی‌های عینی و ذهنی استنباطی مکان، عملاً راه را به جایی نخواهد برد. بنابراین ضرورت خواهد داشت: هدف، مقیاس و چارچوب موضوعی تشخیص هویت مکان از مجموعه خصائص تفکیک شده باشد- قواعد و سنجه‌هایی یز تشخیص موضوع هویتی مکان ناظر باشد.

۴-۲- فرایند هویت شناسی مکان

هویت شناسی مکان فرایند زیر را طی می‌کند.

الف: در مراحل اولیه‌ی تشخیص هویت مکان، موجودیت آن شناخته می‌شود و یا کامل‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن مراحل تشخیص هویت مکان، ویژگی‌ها و تمایزهای آن اعتبار پیدا می‌کنند و به عبارت دیگر، با توسعه هویت شناسی، از اهمیت موصوف کاسته و به اهمیت صفت افزوده می‌شود.

ب: در نهایت باید بین مخاطب و بهره‌بردار مکان و هویت مکان رابطه‌ای وجود داشته باشد تا بین هویت واقعی مکان و هویت ذهنی بارگذاری شده روی آن افتراقی وجود نداشته باشد و هویت منعقد شده همان ویژگی هویتی مورد انتظار باشد.

۴-۳- عناصر هویتی یک مکان و روستا

از آنجا که هر مکان دارای دو بعد کارکردی و کالبدی است، لذا ابعاد مختلف هویت نیز وابسته به دو وجه مذکور خواهد بود، که عبارتند از عناصر طبیعی، عناصر مصنوع و عناصر کارکردی.

۴-۴- عناصر طبیعی و بستر مکانی یک روستا

نمود ظاهری از یک روستا در نگاه نخست می‌تواند شامل عناصر طبیعی و بستر مکانی آن باشد که اغلب به عنوان عناصر و میراث طبیعی در نظر عامه مردم خودنمایی می‌کنند. زاینده رود یک عنصر هویت بخش اصفهان است که امروزه بدلیل عدم توجهات و شتابزدگی طرح‌های توسعه

یعنی مکان و تاریخ در بحث هویت روستایی به شمار می‌روند.

۳-۲- عناصر و ابعاد هویت روستایی

ابعاد هویت فضایی و از جمله هویت روستایی عبارتند از تاریخ، مکان، جمع‌دوره‌ی خاص تاریخی، متن روابط اجتماعی عام و خاص و احساس تعلق فردی، خانوادگی، گروهی، قبیله‌ای، مکانی (محله‌ای و ملی)، رویدادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دگرگونی‌های جامع‌ای حقوق و وظائف شهروندی یا فقدان آنها، سطح فناوری، روابط کهن‌تری و مهتری، جایگاه طبقاتی، روابط بین‌المللی و جایگاه ملی. هویت روستایی از خلال کنش و واکنش عناصر یاد شده و از تضادها و فصول مشترک آنها سر برمی‌آورد، می‌بالد، می‌پاید، دگرگون می‌شود و حاوی وجوه منفی و مثبت متعددی است. در این نمودار در واقع ضمن معرفی عناصر و ابعاد هویت مکانی (روستایی)، سلسله‌مراتب انواع هویت نیز معرفی شده‌اند که از هویت فردی (ویژگی‌های فردی، جنس، سن، شغل، محل تولد، وابستگی‌های فکری، سیاسی‌علاقه‌ی، گذراندن اوقات فراغت و غیره) هویت محله‌ای، هویت عرصه خصوصی (عضو خانواده، مسئله‌ی خلوت، حقوق خصوصی)، هویت عرصه عمومی (نهادهای مدنی، عرصه‌های محلی روستایی، عضویت‌ها و تعامل با دیگران تا هویت ملی و جهانی را در برمی‌گیرد که تمامی این هویت‌ها در دو بستر کلان یعنی ساختار ویژه‌ی جامعه در هر زمان و مکان مفروض و عنصر تاریخ که ظرف خاطره‌ی جمعی و فردی است را در برمی‌گیرد. چنین مدلی در عین حال پویا، حاوی تضاد و روابط و فرایندهای دالکتیکی (منظره‌ای) است.

۳-۳- محورهای تاکید هویت روستا

محورهای تاکید هویت روستا بر عواملی از قبیل نمادها و مبادله نماد، ادراک هویت فضا و همگرایی هویت اجتماعی و کالبدی روستا بستگی دارد. نماد، نتیجه فرایندی شناختی است که به تبع آن، ورای استفاده کاربردی یا ابرازی، عنایای ضمنی پیدا می‌کند. در واقع نمادها شیوه‌های غیرکلامی برای برقراری ارتباط هستند که مردم برای تبادل پیام‌های خود، پیشینه خود، شئون اجتماعی و جهان بینی خود از آن استفاده می‌کند. منظور از ادراک هویت فضا، فرایندهای بنیادین رفتار و ماهیت انسان (شناخت، عاطفه و ارگانیزم، شخصیت، وابستگی‌های اجتماعی و فرهنگی)، ماهیت محیط (قابلیت، اطلاعات ادراکی، مفهوم و تصویر ذهنی)، تشخیص همگرایی هویت اجتماعی و فضایی در محیط روستایی از طریق شناخت رابطه عمیق توأم با درک منطقی، تعلق و وابستگی به مکان می‌باشد [۶].



نمودار ۱: محورهای تاکید هویت روستا



انسانها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم ذات پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است.

پژوهش های انجام شده نشان می دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش ها، توقعات، انگیزه ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می کنند و در مورد آن به قضاوت می پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می آید حس مکان نامیده می شود که به عنوان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط باعث بهره برداری بتر از محیط، رضایت استفاده کنندگان و در نهایت احساس تعلق آنها به محیط و تداوم حضور در آن می شود.

از دیدگاه پدیدارشناسان حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت های روزمره است. این حس می تواند در مکان زندگی فرد بوجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. ارزش های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تاثیر می گذارند و حس مکان نیز بر ارزش ها، نگرش ها و بویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تاثیر می گذارد و افراد معمولاً در فعالیت های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می کنند. حس مکان عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز می باشد و به هویتمندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می کند. از دیدگاه پدیدارشناختی مهمترین مفاهیم مرتبط در بین حس مکان، واژه های مکان دوستی، تجربه مکان و شخصیت مکان است.



نمودار ۱: ابعاد هویت مکان

۵- نقش فضاهای روستایی در تثبیت هویت مکانی

فضاهای موجود در روستا و در مقیاس های مختلف، نه تنها باعث تنوع در بافت های روستایی می شود، بلکه بحث هویت زایی را بافت و روستا به وجود می آورد، چرا که عملکرد چنین فضای روستایی به مرور زمان ذهنیت و خاطره ای، در ذهن آدمیان جای می دهد و چون چنین امری به علت بستر تعاملی آن منتج از زمینه های فرهنگی و اجتماعی است، می تواند همچنان که در ایجاد این همانی فرد با فضا مؤثر باشد، زمینه را برای تثبیت آن و ارتقای فرهنگ شهروندان فراهم کند، این فضاها نقاطی هستند که محل برخورد، ملاقات ها، نشانه ها و در یک کلام قلب تپنده روستا را تشکیل

تا حدودی کمرنگ تر شده است.

۵-۴- عناصر مصنوعی یا ساخته شده یک مکان

شکل و ساختار ظاهری یک مکان علاوه بر ساختار طبیعی، توسط عناصر و سازنده هایی مصنوع به دست انسان شکل میگیرد، به عبارتی بافت کالبدی و ساختار مکانی فضاهای شهری یک از مهمترین ابعاد هویتی فضاهای روستایی را تشکیل می دهد.

۶-۴- عناصر کارکردی یا محتوای مکان

با قبول مکان مفهومی زنده دیگر نمی توان تنها به بعد ظاهری آن نگریست. اگر به بعد یک مکان را منبعت از ابعاد هویتی انسان ها بدانیم، می توان شاخه هایی با کارکردی هویت مکان را در حوزه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی طبقه بندی کرد.

۷-۴- عناصر اجتماعی (سیاسی و فرهنگی) مکان

این عناصر که اغلب با عنوان جغرافیایی انسانی شناخته می شوند شامل جمعیت (کمی و کیفی) و فرهنگ مکان یا روستایان (نژاد، زبان، هنر، پوشش و ...) می گردانند. در این بعد انسان به عنوان محوریت اصلی تلقی می شود علوم، فنون، مهارت ها، اندیشه ها و تجارب با ارزش و سودمندی که از دیگران یا از گذشته بدست می آوریم در تحلیل نهایی در این بعد از هویت قرار خواهند گرفت.

۸-۴- عناصر اقتصادی مکان

یکی از ابعاد هویت بخش در فضاهای روستایی فعالیت هایی است که توسط ساکنان آن از گذشته تا به امروز پایه های اقتصاد مکان را تشکیل می دهد. این فعالیت ها را می توان با عنوان عناصر اقتصاد مطرح نمود.

۹-۴- تعریف هویت مکانی

بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می سازد مکانی است که او خود را ب آن شناسایی میکند و به دیگری می شناساند وی هنگامی که راجع به خود فکر میکند، خود را متصل به آن مکان می داند و آن مکان را بخشی از خود برمی شمارد و میان او و آن مکان رابطه ای عمیق وجود دارد. چنین رابطه ای عمیق تر از صرف بودن در آن مکان با مواجهه با آن مکان است به گونه ای که آن را «خود همانی با فضا» تعبیر کرد. هویت مکان بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت های عمومی او درباره جهان کالبدی است که انسان در آن زندگی می کند.

۱۰-۴- احساس تعلق به مکان

حس مکان و احساس تعلق به مکان از موضوعات مورد بحث در علوم مختلف از جمله معماری، جغرافیای انسانی، برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی روستایی، جامعه شناسی و بالاخص قوم شناسی سیاسی می باشد. اصطلاح حس مکان از ترکیب دو واژه حس و مکان تشکیل شده است. واژه حس در فرهنگ لغت آکسفورد سه معنای اصلی دارد: نخست یکی از حواس پنجگانه، دوم احساس، عاطفه و محبت که در روانشناسی به درک تصویر ذهنی گفته می شود. یعنی قضاوتی که بعد از ادراک معنای شیء نسبت به خود شیء در فرد به وجود می آید که می تواند خوب، جذاب یا بد باشد، سوم توانایی در قضاوت درباره یک چیز انتزاعی، مثل معنای حس در اصطلاح حس جهت یابی که به مفهوم توانایی یک فرد در پیدا کردن مسیر یا توانایی مسیر در نشان دادن خود به انسان است. و در نهایت حس به معنای شناخت تام یا کلی یک شیء توسط انسان می باشد. اما واژه حس مکان بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی آن در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است از دیدگاه روانشناسی محیطی

می دهند.

۱-۵- نقش زنان در حفظ فرهنگ و هویت روستا

همان طور که می دانیم در روستاهای ایران فقط مردان نیستند که مسئولیت انجام امور و تأمین مایحتاج زندگی را بر عهده دارند بلکه همپای مردان، و حتی در بعضی از نقاط کشور بیشتر از مردان، این زنان هستند که با همکاری خود در امور خارج از خانه نقش پررنگی را برای خود رقم می زنند. آنها همچنین علاوه بر این نقش، وظیفه تربیت فرزندان خانواده را نیز بر دوش می کشند. پس اگر قرار است کاری در جهت حفظ فرهنگ روستا و روستایی بشود، بدون شک نقطه شروع همین جاست. یکی از راه های مؤثر در حفظ هویت روستا، افزایش آگاهی های افراد آن می باشد. وقتی آگاهی زن روستایی به عنوان یکی از ارکان اصلی روستا افزایش یابد، می توان این افزایش آگاهی را در سایر اقشار روستا به ویژه فرزندان نیز مشاهده کرد. در صورت افزایش آگاهی زنان روستایی می توان به این مسئله امیدوار بود که آن درآمدی که در روستا حاصل می شود، در خود روستا به مصرف برسد. در این صورت ارزش افزوده ایجاد شده در روستا باقی مانده و موجبات توسعه پایدار روستا که در نهایت به توسعه کشور می انجامد را فراهم می سازد.

در کنار این مسئله با افزایش آگاهی زنان خانواده های روستایی، کیان خانواده حفظ شده و در نتیجه با حفظ خانواده در محیط روستا از مهاجرت های بی رویه به شهرها جلوگیری می کند. در این صورت جوانان روستایی در روستا باقی مانده و همزمان با رشد و تعالی خویش، زمینه رشد و توسعه کشور خود را نیز به ارمغان می آورند.

۲-۵- تعلق به مکان

در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد. در این حالت نمادهای مکان محترم و آن چه برای مکان رخ می دهد، برای فرد نیز مهم است.

۳-۵- دلبستگی به مکان

در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می دهد، در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان تفاوت آن با دیگر مکان ها تأکید می شود.

۴-۵- یکی شدن با اهداف مکان

این سطح نشان دهنده درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می کند، در فرد شور، عشق، حمایت و از خودگذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.

۵-۵- حضور در مکان

این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعلق به مکان است، توجه دارد. در مقابل تمام سطوح قبل که معنای نظری داشتند، این سطح و سطح بعدی از رفتارهای واقعی افراد برداشت می شود. فرد معمولاً این سطح را به طور ضمنی با سرمایه گذاری منابع انسانی مثل زمان، پول و غیره نشان می دهد.

۶-۵- فداکاری برای مکان

این سطح بالاترین سطح مکان است و فرد عمیق ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری های زیادی در جهت گرایش، ارزش ها، آزادی ها و رفاه در موقعیت های مختلف از خود نشان می دهد. در این سطح آمادگی

برای رها کردن علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگتر نسبت به مکان وجود دارد. احساسات توجه به سطوح هفت گانه مذکور مخصوصاً مذکور مخصوصاً سطوح ششم و هفتم در مطالعات علوم سیاسی بویژه قوم شناسی سیاسی بسیار ضروری و مفید است. اما متأسفانه تا کنون در چنین مطالعاتی چندان به مساله بسیار مهم "احساس تعلق به مکان" افراد بالاخص در ارتباط با اقلیت های قومی توجه و اعمال نظر نشده است.

۶-۶- حس مکان

حس مکان سطوح مختلفی دارد که می توان آنها را در هفت سطح به شرح ذیل از بی تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان طبقه بندی کرد:

۱-۶- بی تفاوتی نسبت به مکان:

این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی شود ولی می تواند در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۶- آگاهی از قرارگیری در یک مکان:

این سطح هنگامی است که فرد می تواند که در یک مکان متمایز زندگی می کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی داند که بخشی از آن مکان است. در این سطح آگاهی از مکان فراتر از یک آدرس یا موقعیت نیست.

۳-۶- ردیابی فرهنگ در مکان

اصطلاح فرهنگ یا واژه کولتور در زبان کلاسیک و شاید زبان پیش از کلاسیک لاتین ریشه دارد که به معنای کشت و کار و یا پرورش بوده است. واژه کولتور در اصطلاحات کشاورزی، باغداری، پرورش زنبور و ... به کار می رفت [۸]. این امر نشان می دهد که در ابتدا فرهنگ آمیخته به مکان و فضا تلقی می شد و انسان با ساخت آثار انسانی در زمین، فرهنگ خود را به نمایش می گذاشت. انسان ها باز یگران هوشمند و توانایی هستند که در زندگی اجتماعی، تولید فضا و مکان را به عهده دارند و با تفکرات سیاسی و اجتماعی خود در برابر محیط ظاهر می شوند [۹] و مکان هایی را بر مبنای فرهنگ خلق می کنند. انسان با فرهنگ خویش به محیط طبیعی با مکان، روح و جان می بخشد. به طوری که «انسان منابع طبیعی سواره زمین را مورد بهره برداری قرار می دهد تا در برابر سیاره فیزیکی فرهنگی خلق کند» [۱۰].

از موضوعات بررسی شدنی در ارتباط با ردیابی فرهنگ در مکان ها، چشم اندازهای فرهنگی است که حاصل تصمیمات انسانی در مکان ها است. در واقع چشم انداز فرهنگی، چشم اندازی مصنوعی است که گروه های فرهنگی در زمان سکونت خود در سطح زمین می سازند. فرهنگ ها با استفاده از داده های اولیه محیط طبیعی، چشم اندازهای خود را شکل می دهند. هر منطقه مسکونی چشم اندازی فرهنگی ملهم از چشم انداز طبیعی دارد. چشم اندازهای فرهنگی منعکس کننده فرهنگ حاکم بر آن هاست. در واقع چشم انداز آینه است. چشم انداز فرهنگی در زمان و مکان دائم در حال تغییر است. بیشتر مطالعات جغرافیایی بر سه وجه اصلی چشم انداز یعنی الگوهای سکونت گاهی، الگوهای تقسیم زمین، و معماری تأکید دارند می توان گفت که مکان تحت تأثیر فرهنگ و اجزا و عناصر آن مثل اعتقادات دینی، هنر، فناوری، ارزش ها، سیاست و اقتصاد ساخته می شود. اینکه انسان خانه را از چه مصالحی بسازد، در قسمت های گوناگون آن چه نمادهایی به کار ببرد، اعتقادات و ارزش های خود را



الف) ارزش زیبایی شناسی: این ارزش نمایش دهنده زیبایی به معنایی بنیادین است. می توان رابطه مکان را با چشم اندازی که در آن واقع شده زیر عنوان کلی «ارزش زیبایی شناسی» در نظر گرفت، یعنی همه کیفیت زیست محیطی مربوط به مکان و محیط اطراف آن.

ب) ارزش معنوی: ارزش معنوی مکان ممکن است به حس هویت جامعه به مثابه یک کل و هویت افراد آن کمک کند. این ارزش ممکن است برای آنان حس اعتماد به نفس فرهنگی و حس ارتباط میان امر محلی و امر جهانی را فراهم کند، یعنی به تعریف مفهوم تمدن بشری و جامعه متمدن کمک کند.

ج) ارزش اجتماعی: تفسیر فرهنگ به مثابه ارزش ها و عقاید مشترکی که گروه ها را به یکدیگر پیوند می دهد، نشان می دهد که ارزش اجتماعی مکان میراثی است در آن اثبات و انسجام اجتماعی جامعه منعکس شود.

د) ارزش تاریخی: این ارزش به شیوه ای بحث نشدنی نسبت به مکان درونی است. از میان همه مؤلفه ها به احتمال زیاد این ارزش بیشتر از بقیه برحسب شرایط عینی تشخیص دادنی است. شاید منفعت اصلی ارزش تاریخی این باشد که با برقراری ارتباط با گذشته و آشکار کردن خاستگاه زمان حال به تعریف هویت کمک می کند.

ه) ارزش نمادین: این ارزش حامل معنا و اطلاعاتی است که به جامعه کمک می کند تا هویت خود را تفسیر و بر شخصیت فرهنگی خود تأکید کند. این ارزش به مثابه بازنمای معنا برای عملکرد آموزشی مهم است، نه فقط برای جوانان بلکه برای ارتقای جایگاه دانش و سطح درک کل جامعه. (و) ارزش اصالت: یعنی مکان به خاطر خودش با ارزش است، زیرا واقعی و منحصر به فرد است، نه جعلی. ویژگی مهم ملازم این امر عبارت است از تمامیت، که در شرایط گوناگون تعریف متفاوتی دارد. حفاظت از تمامیت مکان، هر طور تفسیر شود، می تواند در هنگام توجه به ارزش فرهنگی محدودیت مهمی بر تصمیم گیری درباره پروژه باشد [۱۱].

۷- نتیجه گیری

اگر در فضای روستایی تغییراتی داده می شود، باید با توجه این نکته باشد که خاطره ای در این فضا نهفته است که برای بسیاری ارزشمند است و دیدن این فضا میتواند بسیاری از خاطرات را دوباره زنده کند. تغییرات فاحش و کلی در فضاهای روستایی همه خاطرات را از بین می برد، این خاطرات بخشی از زندگی مردم است که باید وجود داشته باشند تغییرات در فضاهای روستایی باید حفظ و نگهداری خاطرات فردی و جمعی را نیز تأمین کند. حفظ خاطرات میتواند حس تعلق خاطر به فضا را بیشتر کند و حس تأثیرگذاری بر فضا را توسط انسان تقویت نماید. مردم علاقه مند به حفاظت و هویت هستند و باید این امکان فراهم شود که علایق، نیازها و آرزوهای آنها زیر بنای تصمیمات و فعالیت های مهم در تشخیص هویت مکان و مکان های مورد حفاظت باشند. ساخت مکان مشارکتی فرصت های مناسب بین شکل ساخت و زندگی اجتماعی مورد حمایت و تداوم را افزایش میدهد و راهکاری مهم در ساخت متمایز است. به عبارت دیگر، پروژه ی موفق حفاظت باید از تحلیل های کمی ساخت و ترکیب روستایی و دیدگاه های مردم در تشخیص کیفیت های اساسی هویت مکان و احساس موقعیت استفاده کند. اجرای آن توجه را به نیاز به پرورش و میدان دادن به حکومت و سیاست عمومی و بیشتر متمرکز بر مکان جلب میکند. ساختار مکان ها عبارت است از مکان به علاوه ی هویت، فضا ساختار فیزیکی تشکیل دهنده ی مکان و در واقع جدا کننده ی بیرون و

چگونه در کالبد و فضای درون آن به کار گیرد و از چه هنرهایی برای تزئین فضای داخلی یا بیرونی آن استفاده کند، نمونه ای از اثر فرهنگ بر مکان و بستر زندگی است. این آثار برگرفته از فرهنگ جامعه متناسب با زمان و ساختارهای اجتماعی، مشخصات و ویژگی های مکانی نیز تغییر می کند. به همین دلیل می توان انتظار داشت که در دوره های گوناگون تاریخی، مکان های متفاوتی متناسب با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی حاکم ساخته شود.

۴-۶- تعامل مکان و فرهنگ

برای درک تعامل فرهنگ و مکان باید به فعالیت های انسان در مکان و فضا توجه کرد. انسان برای تأمین نیازهای خود از منابع و امکاناتی که در طبیعت یافت می شود، بهره برداری می کند. نوع بهره برداری انسان و چگونگی فعالیت های او در طبیعت تحت تأثیر فرهنگ است. ارتباط انسان با مکان در قالب سیستم انسان و محیط بررسی می شود. سه نوع سیستم انسان و محیط را به هم پیوند می زند:

۱- سیستم انسانی (روابط انسان با انسان)

۲- سیستم محیطی (روابط محیط با محیط)

۳- سیستم انسان- محیط (روابط انسان با محیط).

بر این اساس در دیدگاه اکولوژیک یا روابط انسان و محیط به سؤالاتی نظیر: تأثیر محیط بر انسان چیست؟ اثر فعالیت های انسانی بر محیط چگونه است؟ و چگونگی و ماهیت تغییرات محیط انسان پاسخ داده می شود.

انسان ها در دوران اولیه کاملاً در احاطه محیط طبیعی یا طبیعت شامل عناصری از قبیل آب و هوا، زمین، پوشش گیاهی، و خاک قرار داشتند. با پیدایی تمدن، مردم خود را در مصنوعاتی محصور کردند که به علت گذشت زمان و دیرپایی جزا لاینفک محیط شد. از نظر انسان روستانشین محیط طبیعی جابه جا شده و یا تغییر بنیادی یافته است. در این دوره انسان به محیط وابسته است و تلاش او برای سازگاری با محیط است. با گذشت زمان انسان به فناوری و فرهنگ پیشرفته بهره برداری از محیط رسید. با شکل گیری نیازهای جدید در دوره های زمانی و مکانی، نوع دیدگاه انسان نیز در بهره برداری از مکان تغییر کرد. انسان با کسب تجربه و افزایش آموخته های خود در قالب فرهنگ، بیشترین منافع ر کسب کرد. با تنوع نیازهای انسان و افزایش حس سودجویی، چه بسا جوامعی موفق عمل می کنند که فرهنگ و علم و فناوری قوی داشته باشند. فرهنگ پیشرفته فناوری های جدید تولید می کند و قدرت جامعه را دو چندان می کند. انتظار می رود فرهنگ پیشرفته برای کسب منافع خود (مثل سیاست های معماری قرن نوزدهم) مکان های فرهنگی را غارت کند. نتیجه اینکه فرهنگ پیشرفته مکان را به خدمت می گیرد و به آن نقش تازه ای می بخشد. به عبارتی دیگر، فعالیت های فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی انسان به مکان نقش و کارکردی ویژه همراه با شخصیت و اعتبار می بخشد. مکان با ارزش های انسانی هویت می یابد و به عبارتی «مکان را فرهنگ انسانی می سازد» [۹].

۵-۶- ارزش فرهنگی مکان

مکان ها آشکارا دارای ارزش هایی هستند که یکی از آن ها ارزش های فرهنگی است. ارزش ها به مکان نسبت داده می شوند و افراد و جامعه از چنین ویژگی هایی نفع می برند. این گونه ارزش ها را می توان در مکان های تاریخی به ویژه مکان های میراثی جستجو کرد.

جنبه مهمی در فرایند برنامه‌ریزی است. با ایجاد اعتبار و اطمینان محافظت میراثی که در حال حاضر تحت بررسی و مطالعه میتوان این فرایند را بیشتر اصلاح کرد. در شکل دهی به هویت مکان نقش مفاهیم و تعلقات در ساختار مکان‌ها با ادراک قوی از مکان مهمتر از توجه به نوع کارکرد و نقش عناصر فیزیکی و فعالیت‌ها است. مکان و فرهنگ دائم با هم در ارتباط هستند، زیرا هر مکان بستری است برای روابط متقابل میان انسان‌ها که به نوبه خود از خاستگاه‌های فرهنگ است. مکان‌ها و چشم‌اندازهای مستقر در آن‌ها متأثر از فرهنگ جوامع در دوره‌های زمانی گوناگون هستند.

درون است. هویت به کیفیت کلی درک شده از مکان گفته میشود، هویت جوهره‌ی اصلی مکان است. هویت هر مکان باید مطابق با خواسته مورد نظر از آن مکان باشد. در واقع از مکان میتوان به عنوان فضایی زنده تعبیر کرد، مکان یعنی فضایی که در آن زندگی جریان دارد مکان دارای اثری دو جنبه است، از طرفی حضور انسان و زندگی در جریان در فضا بر روی هویت مکان اثر می‌گذارد و از طرف دیگر روح حاکم بر مکان بر انسان‌ها و جریان زندگی آنها مؤثر است. در نتیجه مکان می‌تواند بر انسان تأثیر متقابل گذارد، چرا که به واسطه معنایش به ارزش‌ها و کنش‌های انسانی جهت میدهد، به همین دلیل، هویت مکان بخشی از هویت شخصی است. هویت

منابع:

- [1] Ramouri, Ghiyath al-Din. Ghiyāth al-Lughāt (Entry: "Makān"). Lucknow: Nawal Kishore Press. (In Persian).
- [2] Aristotle. Physics, Book IV, 208b–212a. Translated by Robin Waterfield. Oxford University Press, 1996
- [3] Norberg-Schulz, "Architecture, Presence", Loss, and Place, translated by Seyed Ahmadian Alizadeh, Memar-e Shesh.
- [4] Norberg-Schulz, C. (1971). Existence, Space and Architecture. London: Studio Vista.
- [5] Seamon, D. (2008). Place and Placelessness, Edward Relph. In Key Texts in Human Geography. Routledge.
- [6] Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years? Journal of Environmental Psychology, 31(3), 207–230.
- [7] John Montgomery (1998). "Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design." Journal of Urban Design, 3(1), 93–116.
- [8] A Dictionary of Sociology. Oxford University Press.
- [9] Yi-Fu Tuan (1977). Space and Place: The Perspective of Experience. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- [10] Carl O. Sauer (1925). The Morphology of Landscape. University of California Publications in Geography, 2(2), 19–53.
- [11] D. Throsby, "Economics and Culture", Translated by Kazem Farhadi. Tehran: Ney, 2003.

